

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

www.ketab.ir

حسن زاده آملی، حسن، ۱۳۰۷ - شارح.

شرح فارسی الاسفار الاربعة صدر المتألهين شيرازي / حسن حسن زاده آملی - قم: مؤسسه بوستان كتاب (مركز چاپ و نشر دفتر تبليغات اسلامي حوزه علميه قم)، ۱۳۸۷ -

ج. - مؤسسه بوستان كتاب؛ ۹۵۱. كتاب هاي آية الله حسن زاده آملی / ۲۶ (فلسفه و عرفان؛ ۹۱. فلسفه اسلامي؛ ۴۶) (ج. ۱). 9 - 0081 - ISBN 978-964-09-0082-6. (دوره) 6 - 0082 - ISBN 978-964-09-0081-6

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیما.

ض. ع. به انگلیسی: Ayatollah Hasan Hasanzadeh-Amoli. A Persian Commentary on al-Asfar al-Arbaah

كتاب نامه.

چاپ پنجم: ۱۳۹۸.

مؤسسه بوستان كتاب، تهران، ۱۳۹۸. الف. صدرالدين شيرازي، محمدبن ابراهيم، ۹۷۹-۱۰۵۰ ق. الحكمة المتعالية في الاسفار الاربعة - نقد و تفسير، ۲. فلسفه اسلامي، متون قديمي تاثير ۱۲، ۳. حكمت متعاليه، الف. صدرالدين شيرازي، محمدبن ابراهيم، ۹۷۹-۱۰۵۰ ق. الحكمة المتعالية في الاسفار الاربعة، شرح، ب. دفتر تبليغات اسلامي حوزه علميه قم، مؤسسه بوستان كتاب، ج. عنوان، د. عنوان: الحكمة المتعالية في الاسفار الاربعة، شرح

۱۸۹/۱

۴ ش ۵ ح ۱۰۰۳۱ BBR

ح ش / الف ۴۸۲ ص

۱۳۹۸

كتاب هاي آية الله حسن زاده آملی / ۲۶

■ موضوع: فلسفه اسلامي؛ ۴۶ (فلسفه و عرفان؛ ۹۱)

■ گروه مخاطب: - تخصصی (طلاب و دانشجویان و پژوهشگران و اساتید حوزه و دانشگاه)

شماره انتشار كتاب (چاپ اول): ۹۵۱

مجله انتشار (چاپ اول و بازچاپ): ۷۱۷۸

بوستان كتاب

شرح فارسی  
الاسفار الاربعه

صدر المتألهين شیرازی

جلد اول

آية الله حسن حسن زاده آملی

بیتنا  
۱۳۹۸

# بوستانکتاب

## سومین کارگوشی اسفار اربعه صدر المتألهین شیرازی / ج ۱

- نویسنده: آية الله حسن زاده آملی • به کوشش: محمدحسین نانیجی
- ناشر: مؤسسه بوستان کتاب
- لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپخانه مؤسسه بوستان کتاب
- نوبت چاپ پنجم: ۱۳۹۸ • شمارگان: ۵۰۰ • بها: ۹۹۰۰۰ تومان

تمامی حقوق نشر مکتوب و الکترونیک این اثر متعلق به مؤسسه بوستان کتاب است

printed in the Islamic Republic of Iran

- دفتر مرکزی: قم، مخ شهدا (صفاینه)، ص پ ۹۱۷ / ۳۷۱۸۵، تلفن: ۴۲۱۵۵ / ۱ نمایه: ۳۷۷۴۲۱۵۲ تلفن پخش: ۳۷۷۴۳۴۲۶
  - فروشگاه مرکزی: قم، چهارراه شهدا (عرضه ۱۲۰۰۰ = ۱۰۰۰۰) • چاپ و مکاری ۱۷۰ ناشر
  - فروشگاه شماره ۲: تهران، خیابان انقلاب، بین وصال و فلسفین، پلاک ۹۵۱، شماره: ۶۶۹۶۹۸۰۸
  - فروشگاه شماره ۳: مشهد، چهارراه خسروی، مجتمع پاس، جنب دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان رضوی، تلفن: ۳۲۲۳۳۶۷۲
  - فروشگاه شماره ۴: اصفهان، چهارراه کرمانی، جنب دفتر تبلیغات اسلامی شعبه اصفهان، پلاک ۳۲۲۲۰
  - فروشگاه شماره ۵ (رنگین کمان، فروشگاه کودک و نوجوان): قم، چهارراه شهدا، نبش خیابان آریه، تلفن: ۳۷۷۰۰۰۰
- اطلاع از تازه های نشر از طریق پیام کوتاه (SMS)، با ارسال شماره همراه خود به ۰۰۰۰۲۱۵۵ • ارسال در ۱۰ روز و راست به:

پست الکترونیک مؤسسه: E-mail: info@bustaneketab.com

جدیدترین آثار مؤسسه و آشنایی بیشتر با آن در وب سایتها: [www.bustaneketab.com](http://www.bustaneketab.com)

با قدردانی از همکاری که در تولید این اثر نقش داشته اند:

- اعضای شورای بررسی آثار: • دبیر شورای کتاب و سروبوکسازان: ابوالفضل طریقه‌دار • ویراستار: بوذر دیلمی معزی
  - چکیده عربی: سهیله خانفی • چکیده انگلیسی: مریم خانفی • فیبا: مصطفی محفوظی • حروف نگار: مریم ونکی • اصلاحات حروف نگاری: احمد مؤتمنی
  - صفحه‌آرا: حسین محمدی • کنترل نمونه خوانی: محمدجواد مصطفوی • نمونه خوانی: ابوالحسن مسیب نژاد، محمدحسین مظفری، سیدمحسن طاهری، شکرالله آقائزاد، سیدحسین حسینی، علی میری، سیدرضا هدایتی، سیدکاظم رضوی، غلامرضا شهبازی، محمد ایتاری و محمدعلی حسینی • کنترل فنی صفحه‌آرایی: سیدرضا موسوی منش
  - مدیر گروه هنری: مسعود نجابتی • طراح جلد: امیرعباس رحیمی
  - اداره آماده‌سازی: حمیدرضا تیموری • اداره چاپخانه: مجید مهدوی و سایر همکاران لیتوگرافی، چاپ و صحافی • مدیر تولید: عبدالهادی اشرفی
- رئیس مؤسسه  
محمدباقر انصاری

## فهرست

۱۵	مقدمه مقرر
۳۱	مقدمه مؤلف
۳۱	شرح خطبه مؤلف
۳۲	سعادت انسانی به چیست؟
۳۵	نیت، روح اعمال انسانی
۳۶	اسفار امّ الكتاب مرحوم آخوند
۳۸	غایت کمال انسانی به چیست؟
۴۱	علم الهی، علم خودسازی
۴۲	قوه عملی و قوه نظری
۴۷	کوشش فراوان برای تحصیل دانش
۵۱	ریشه موفقیت مرحوم آخوند
۵۵	در شکایت از اهل زمان
۶۰	اقتدا به حضرت وصی (ع)
۷۰	محال بودن قسر دایم
۷۱	معارف عرشی مرحوم آخوند لطف حق برای قرون جدید

- ۷۴ ..... حکمت بحثی و حقایق کشفی و اسرار قرآنی در اسفار
- ۷۸ ..... استفاده از اسفار تنها برای اشخاص کُتل پیموده در علم و عمل
- ۸۱ ..... حکمت را به هر کس نیاموزید
- ۸۲ ..... روش مرحوم آخوند در اسفار
- ۸۵ ..... مشکلات عالم اسلام بر اثر دوری از ولایت
- ۸۶ ..... راه رسیدن به حقایق مجادله نیست
- ۸۷ ..... تزکیه راه رسیدن به حقایق این کتاب
- ۹۲ ..... بسم الله مجربتر مرسیها
- ۹۴ ..... نام این کتاب چیست؟
- ۹۴ ..... حکمت تعالیه با اسفار فرقه ندارد
- ۹۶ ..... متن واقع موضوع علم فلسفه
- ۹۹ ..... اطلاق صمد بر حق سبحانه
- ۱۰۱ ..... تنظیم کتاب بر اساس سفرهای سالکان
- ۱۰۶ ..... جزء اول از امور عامه یا علم الهی به معنای اعم
- ۱۰۷ ..... یکی بودن ساختار این شرح با اسفار چهارگانه

### سفر اول: از خلق به حق

- ۱۱۱ ..... مسلک اول: معارف پایه
- ۱۱۸ ..... تعریف فلسفه و حکمت
- ۱۲۰ ..... تقسیم فلسفه به عملی و نظری
- ۱۲۳ ..... تعریف فلسفه
- ۱۲۵ ..... امام مبین حقیقت اسما
- ۱۲۸ ..... خاک و روح خدا حقیقت است

۱۲۹ ..... خبر به معنای علم و آگاهی و دانایی است

۱۳۷ ..... غایت فلسفه چیست؟

### مرحله اول: وجود و اقسام اولیه آن

#### منهج اول: احوال نفس

۱۵۱ ..... فصل اول: موضوعیت وجود برای علم الهی و اولیت ارتسام آن در نفس

۱۶۰ ..... مسائل فلسفه

۱۶۸ ..... عدم امکان تعریف وجود عام به حد و رسم

۱۷۲ ..... مبادی تصدیقی فلسفه

۱۷۷ ..... قضایای کاذبه نفسیت ندارد

۱۷۸ ..... مبادی تصویری فلسفه

۱۸۱ ..... ممکن نبودن اثبات وجود مطلق به برهان، به جهت پداخت آن

۱۸۳ ..... رد کسائی که بر وجود ممکن، اطلاق موجود نکردند

۱۸۴ ..... غیر متناهی بودن حق سبحانه

۱۸۶ ..... ایجاب و جودات امکانی و واجبی به برهان و حس

۱۸۷ ..... موضوعات علوم دیگر تخصص دارند

۱۸۸ ..... تفسیر امور عامه

۱۹۰ ..... غشاوة و همیه و إزاحة عقلیه

۱۹۰ ..... اشکال

۲۰۱ ..... اعتراض محقق دوانی بر تفسیر امور عامه

۲۰۴ ..... تفسیر امور عامه به مشتقات و امثال آن

۲۰۶ ..... تقابل در تفسیر امور عامه اعم است

۲۱۱ ..... کلیات غذای انسان هستند

۲۱۴ ..... تفسیر عوارض ذاتیه

۲۱۷ ..... قوم در تحلیل موضوعات علوم در مانندند

۲۱۸ ..... تفسیر عرض ذاتی به خارج محمول

۲۲۳ ..... اسناد مسامحه به قدما و تفسیر محمول در کلام ایشان به معنای اعم

۲۲۸ ..... لحوق فصول باعث تخصص موضوع نیست

۲۳۵ ..... تجدید نظر در معنای گذشته

فصل دوم: في أن مفهوم الوجود مشترك محمول على ما تحته حمل التشكيك لاجمل

التواطؤ ..... ۲۴۲

۲۴۶ ..... اشتراك معنوی و حمل تشکیکی وجود

۲۴۹ ..... نقل کلام قائلین به اشتراك لفظی

۲۵۱ ..... رد اشتراك لفظی وجود

۲۵۲ ..... اشکال و پاسخ

۲۵۶ ..... رابطه بین قضایا دلیلی دیگر بر اشتراك معنوی وجود

۲۵۶ ..... ایطاء شاهد بر اشتراك معنوی وجود

۲۵۸ ..... معنای تشکیک و اینکه تقدم و تأخر عین مقدم و مؤخر است

۲۶۵ ..... موارد تشکیک خاصی

۲۷۴ ..... سه گونه تشکیک

فصل سوم: في أن الوجود العام البدیهی اعتبار عقلي غير مقوم لأفرادہ

فصل چهارم: في أن للوجودات حقيقة عينية

۲۸۵ ..... عینی بودن وجود

۲۹۱ ..... بحث و مخلص

۲۹۵ ..... دفع شبهة شیخ اشراق در اعتباری بودن وجود

۲۹۸ ..... اشکال: همه موجودات واجب می شوند

۳۰۰ ..... بحث از حقایق، والاتر از بحث از لغت است



- ۳۰۶ ..... نقل کلام میر سید شریف در عدم اعتبار ذات در مشتق
- ۳۱۰ ..... نقل کلام محقق دوانی در بساطت مشتقات
- ۳۱۰ ..... نقل کلام شیخ اشراق در بساطت مشتقات
- ۳۱۲ ..... وجودات دارای حقیقت عینیه هستند و معنای حصه
- ۳۱۳ ..... اثبات اصالت وجود با عدم تشکیک در ماهیت
- ۳۱۶ ..... قاعده فرعیت دلیل اعتباری بودن وجود
- ۳۱۹ ..... نقل سخن میر صدر دشتکی در اعتباریت وجود
- ۳۲۱ ..... جواب از قاعده فرعیت به اینکه، اشکال مشترک الورد است
- ۳۲۲ ..... تحقیق در جواب
- ۳۲۳ ..... تخصص وجود به چیست؟
- ۳۲۵ ..... تنزل وجود باعث پیدایش حدود است
- ۳۳۰ ..... فصل پنجم: فی أن تخصص الوجود بمادته
- ۳۳۲ ..... دو جنبه موجودات
- ۳۳۳ ..... فصل منطقی و فصل حقیقی
- ۳۳۶ ..... کلام شیخ الرئیس در تعلیقات مطابق با حکمت معالیه
- ۳۳۷ ..... کثرت در وحدت، وحدت در کثرت
- ۳۳۸ ..... پرورش و ربوبیت حق تعالی عالم را
- ۳۴۱ ..... کثرات امور و شؤون واقعی هستند و نه اعتباری
- ۳۴۳ ..... باید دانایی را به دارایی بدل کرد
- ۳۴۴ ..... معنای خیالی چیست؟
- ۳۵۰ ..... ماده باعث تخصص وجود است
- ۳۵۸ ..... عده‌ای به غلط شیخ را قائل به اعتباریت وجود می‌دانند
- ۳۶۱ ..... توجیه کلام الشیخ إلى غیر ما هو المشهور لدى الجمهور

فصل ششم: في أن الوجودات هويات بسيطة و أن حقيقة الوجود ليست معنى جنسياً ولا

نوعياً ولا كلياً مطلقاً ..... ۳۷۱

وجود دارای جنس و فصل نیست ..... ۳۷۶

اتحاد مفهومی اجزای قوامی در صورت جنس و فصل داشتن وجود ..... ۳۷۷

وجود جنس نیست ..... ۳۷۸

خلاصه مفاد رساله فصل اسکندر ..... ۳۸۱

فصل هفتم: في أن حقيقة الوجود لا سبب لها بوجه من الوجوه

اقسام سبب در وجود راه ندارد ..... ۳۹۲

فصل ..... ۳۹۵

عدم تصور علت در غیر مباحث ..... ۴۰۰

تفسیر اصول از لیه در کلام حضرت وصی علیه السلام ..... ۴۰۱

بسیط فاسد شدنی نیست ..... ۴۰۳

فاعل بالقصد نبودن حق سبحان ..... ۴۰۴

حق سبحان صورة الصور همه ..... ۴۰۶

خیر محض بودن آنچه وجود است ..... ۴۰۶

اشکالاتی چند با پاسخ های آن ..... ۴۰۷

اشکال صاحب تلویحات ..... ۴۰۸

جواب: از شقوق سه گانه معیت را برمی گزینیم ..... ۴۱۰

جواب حلّی ..... ۴۱۱

آیا اتصاف وجود به ماهیت آنها در عقل است؟ ..... ۴۱۳

پاسخ به شیخ اشراق ..... ۴۱۴

عدم اخذ وجود در حد ذات و مرتبه ماهیت ..... ۴۲۵

نیامدن قاعده فرعیت در باب وجود خارجی و ماهیت ..... ۴۳۱

- ۴۳۲ ..... تحقق وجود و ماهیت همانند بسایط به یک جعل
- ۴۳۵ ..... جواب سید سند به شیخ اشراق
- ۴۳۸ ..... [دفع دخل مقدر]
- ۴۴۱ ..... وجه اشتراک و افتراق کلام سید سند با مرحوم آخوند
- ۴۴۲ ..... شبهه دیگر از شیخ اشراق در اعتباری بودن وجود
- ۴۴۲ ..... خارج وجود جز به معرفت شهودی قابل ادراک نیست
- ۴۴۴ ..... کارآیی شبهه شیخ اشراق در ردّ مشاء
- ۴۴۵ ..... انضمام اساس اشراق و مشاء با اشکال ما
- ۴۴۷ ..... شبهه دیگر از شیخ اشراق
- ۴۴۸ ..... شبهه‌ای دیگر از شیخ سهروردی
- ۴۴۸ ..... چون شیخ اشراق وجود را جزء مفروض دانست دچار اشکال شد
- ۴۵۰ ..... اشکالات دیگر شیخ اشراق بر مشاء
- ۴۵۱ ..... پاسخ مشاء به شبهه شیخ اشراق
- ۴۵۳ ..... وجود، جزئی و کلی نمی باشد
- ۴۵۶ ..... توضیح و تنبیه
- ۴۵۹ ..... دفع دخل مقدر
- ۴۶۱ ..... ضعف وجود بر اثر پوشش ملابس امکانی
- ۴۶۲ ..... تعقل با تعلق نمی سازد
- ۴۶۴ ..... تفاوت دهشت از مقام جلال با وحشت
- ۴۷۰ ..... انتزاع مفهوم وجود حکایت از واقعیت خارج می کند
- ۴۷۲ ..... جعل روی چه چیز رفته است؟
- ۴۷۶ ..... جعل بسیط و جعل مرکب
- ۴۸۱ ..... پاسخ به سید سند در حکم به عدم تقدم وجود بر ماهیت

۴۸۴ ..... مراد از بسیط الحقیقه چیست؟

۴۸۵ ..... ترکیب همه ما سوی الله از ماهیت و وجود

۴۸۹ ..... وجود، جهت اتحاد کثیرین

۴۹۱ ..... تأصل دو حقیقت در خارج ممکن نیست

۴۹۴ ..... تأصل وجود و حصص وجودی

۴۹۶ ..... بوجیه اینکه چرا آخوند به خاصه خارجی و ذهنی اطلاق مفهوم کرده است؟

۴۹۷ ..... تنها کلی سعی در وجود خارجی می آید

۴۹۹ ..... سیل ریوی و فف ذاتی ممکنات

۵۰۱ ..... مراد از ظهور و جرات تجافی نیست

۵۰۹ ..... عجز قوای ضعیف انسان از دریافت نور وی

۵۱۳ ..... هر مرتبه از وجود حکمی دارد

۵۲۱ ..... رد اصالة الماهوی

۵۲۴ ..... رد وحدت شخصی وجود

### ۵۳۲ ..... فصل هشتم: در مساوقت وجود با ماهیت

۵۳۹ ..... در رد واسطه بین معدوم و موجود و حال

۵۴۵ ..... اشکالی مهم بر متکلمان

۵۴۶ ..... اشکال دیگر که متکلمان را رسوا می کند

۵۴۹ ..... لغت و ادب نباید معیار شناخت حقایق قرار گیرد

۵۵۳ ..... باید در دریافت حقایق آنجا را اصل قرار داد

۵۵۵ ..... در سلوب و اعتبارات می توان همین الفاظ را در حق تعالی اطلاق کرد

۵۵۶ ..... لزوم تعطیل به معانی گوناگون از مبانی متکلمان

۵۶۳ ..... نقل کلام سهروردی در رد شیئیت معدوم

۵۶۴ ..... شیء و وجود مساوتند

۵۷۱	فصل نهم: في الوجود الرباطی
۵۷۳	چگونگی وجود عرض و جوهر
۵۷۵	فصل ۹: في الوجود الرباطی
۵۸۰	دو بحث: اول، موجود رباط و رباطی دو نوع از وجودند
۵۸۱	جواب سوال مقدر
۵۸۵	موجودات عین رباط به حق سبحانه هستند
۵۸۷	خلاصه سخنان قوم در وجود رباط و رباطی
۵۹۴	معنای دوم وجود رباطی
۵۹۸	جعل ابداعی
۵۹۹	جوهر ناعتی
۶۰۵	تقسیمات وجود رباط و رباطی در باره عدم نیز می آید

### منهج دوم: در اصول کیفیات و عناصر عقود و خواص هر یک از آنها

۶۱۳	اصول کیفیات چیستند؟
۶۱۳	مقدمه: بحث و وجود رباط مقدمه‌ای برای بحث کیفیات
۶۱۴	فصل اول: في تعريف الوجوب والإمكان والامتناع والحق والباطل
۶۱۷	روش آموزش قوم
۶۳۱	مماشات و همراهی با قوم در روش تعلیم
۶۳۳	دو مسلک رباط و رباطی در چگونگی تعلق موجودات به حق سبحانه
۶۳۸	ارتباط موجودات مستقل با حق سبحانه یا توحید اهل ظاهر
۶۴۴	امکان به معنایی تازه
۶۴۵	رسیدن ابوبصیر در خدمت امام صادق به توحید صمدی
۶۵۶	ماهیت من حیث هی محکوم به حکمی نیست

۶۶۰ ..... فهم و جود فوق طور عقل است

۶۶۵ ..... مشارکت حد و برهان تأییدی بر بساطت و جود

۶۶۷ ..... اطلاعات بسیط

۶۷۲ ..... همهٔ اقسام اولویت باطل است

۶۸۱ ..... تعریف حق

۶۸۸ ..... رد اقوال سوفسطاییان

۶۹۱ ..... آیا گفتار و آرای سوفسطاییان به درستی نقل شده است

۶۹۴ ..... زیربنای معارف در تضایا چیست؟

۶۹۶ ..... راز شناسایی بدن اعم و کلی برای انسان

۶۹۸ ..... دوی درد سقطه

۷۰۱ ..... فرق لوازم ماهیت با لوازم وجود ذهنی و خارجی

۷۰۲ ..... اقسام و احکام معیت در کلام خواجه

۷۰۲ ..... آیا معنای مواد ثلاث در منطق و فلسفه تفاوت دارند؟

۷۰۴ ..... قسمت مفهوم به مواد ثلاث، تقسیمی حقیقی است

۷۰۶ ..... مقدمه‌ای در رد قاضی عضد ایجی

۷۰۸ ..... رد قاضی عضد ایجی

۷۱۰ ..... تفاوت اصحاب حرف و بحث با اصحاب عمل و تقوا در یافتن حقایق

۷۱۲ ..... تفاوت قضایای حینیه و مخلوطه با ضرورت ذاتی و ازلی

فصل دوم: في أن الواجب الوجود لا يكون بالذات وبالغير جميعاً؛ وفي عدم الخلافة الرومية

بین واجبین لو فرضاً

۷۲۴ ..... بیان اقسام حیثیت‌ها

۷۳۰ ..... عدم سازش و جوب ذاتی باغیری

## مقدمه مقدر

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

حکمت به معنای واقعی آن با پیدایش انسان پدید آمد و به همراه او تربیت و رشد و تعالی یافت، و هم چنان با زندگی او درمیخیزد و هرگز از او دست برنخواهد داشت، زیرا کلمه‌هایی مانند چرا، به چه علت، برای چه، از چه، و این چیست و...، هیچ‌گاه از انسان دست بر نمی‌دارد. پس اگر حکمت را کنار بگذاریم دیگر انسان نخواهیم بود؛ همان‌گونه که دریافت‌های قلبی و الهامات و حدسیات و فرضیات نیز همیشه با انسان زندگی کرده است.

قرآن کریم، حضرت آدم و پدر همه را عالم به اسماء الهی یعنی همان اسماء اشیاء و حقیقت آنها معرفی کرد، کسی که رمز و راز طبیعت را از راه قلب دریافت کرده و حقیقت را می‌داند و اولین متعلم از مدرسه «علمك مالم تعلم» است. ادیان الهی بر این اتفاق دارند. تاریخ ملت‌های کهن از یونان و ایران نیز نشان می‌دهد که اولین حکما انبیاء علیهم‌السلام بوده‌اند، معلم بشر و کسی که علوم مختلف را تعلیم داده «هرمس» به زبان یونانیان و «ادریس» به زبان ادیان است. ایرانیان نیز که تمدن هزاران ساله دارند معلمین نخستین بشر را انبیاء علیهم‌السلام می‌دانند و حکمایی را معرفی کنند که از راه ریاضت و

روش قلبی و ارادت اشراقی به حقایق دست یافته‌اند.

معنای این سخن انکار دریافت بشر از راه عقل نیست، چه این که اندیشه و فکر به مثابه راهی برای فهم حقایق در اختیار همگان بوده و همه می‌توانسته‌اند از آن برای فهمیدن حقایق کمک بگیرند، بلکه مراد این است که همیشه ارادت اشراقی و رسیدن به حقایق از راه دل، اقدم از راه عقل بوده است طبیعی است که بزرگان و حتی انبیاء علیهم‌السلام برای بیان دریافت‌های خود باید آن را در کسوت قیاس‌های عقلی می‌ریخته‌اند تا دیگران به دریافت آن نایل شوند. چگونه متعلمی که می‌خواهد قدم در راه ریاضت بگذارد و به حقایق از راه اشراق دست‌رسی پیدا کند قانع می‌شود که مرارت و سختی‌های راه را تحمل کند؟ حسن ظن به استاد در کنار منطقی قوی و خردی نیرومند او را و دار می‌سازد که مسیر ناهموار را طی کند این چنین حکمت اشراقی با فکر و اندیشه با هم آمیخته‌اند.

علوم تجربی نیز به روشی همانند روش مزبور به شکوفایی و توسعه رسیدند. علمای رشته‌های مختلف بر اثر برخورد با موارد گوناگون از راه حواس و تکرار آنها و آزمایش و گرفتن نتایج مشابه، به مطالب و کلیات عقلی رسیده‌اند، این کلیات همان قضایای عقلیه هستند که در علوم به عنوان «مبادی قیاس» به کار گرفته می‌شوند.

در حکمت نیز نظیر چنین روشی به کار گرفته شده است، حکما و انبیای الهی حقایق را از راه مکاشفات و دریافت‌های باطنی دریافته‌اند و در آنچه دیدند شکی نداشتند همیشه دریافت‌هایی که از راه مشاهده خواه با حواس ظاهری و خواه با حواس باطنی می‌شود یقین آور است؛ یعنی انسان هیچ شکی ندارد که آنچه دیده همان است که دیده و یا آنچه بوییده و لمس کرده همان است که احساس کرده است. تنها تفاوت بین این دو روش در متعلق این ادراکات است: در دریافت حسی یک مورد جزئی به تماشا در می‌آید، سپس در اثر تکرار آن به قیاس خفی و قاعده کلی می‌رسد، لیکن دریافت‌های دل همیشه وسیع و فراگیر و به حقایق گسترده تعلق



حسن زاده آملی، حسن، ۱۳۰۷ - شرح.

شرح فارسی الاسفار الأربعة صدرالمآلهین شیرازی / حسن حسن زاده آملی، - قم: مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۸۷ -

ج. - (مؤسسه بوستان کتاب: ۹۵۱. کتاب‌های آیه‌الله حسن زاده آملی / ۲۶) (فلسفه و عرفان: ۹۱. فلسفه اسلامی: ۴۶) (ج. ۱) ۹ - 0081 - 964 - 09 - ISBN 978 - 964 - 09 - 0082 - 6 (دوره)

فهرست نویسی براساس اطلاعات قیبا.

ص. ع. به انگلیسی: Ayatollah Hasan Hasanzadeh-Amoli. A Persian Commentary on al-Asfar al-Arbaah

کتاب‌نامه.

چاپ پنجم: ۱۳۹۸.

۱. صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم، ۹۷۹-۱۰۵۰ق. الحکمة المتعالیة فی الاسفار الأربعة - نقد و تفسیر. ۲. فلسفه اسلامی - متون فلسفی تا قرن ۱۴. ۳. حکمت متعالیه. الف. صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم، ۹۷۹ - ۱۰۵۰ق. الحکمة المتعالیة فی الاسفار الأربعة. شرح. ب. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. مؤسسه بوستان کتاب. ج. عنوان. د. عنوان: الحکمة المتعالیة فی الاسفار الأربعة. شرح.

۴ شرح: BIR ۱۰۸۲

۱۸۹/۱

ح ش / الف ۴۸۲ ص

کتاب‌های آیه‌الله حسن زاده آملی / ۲۶

■ موضوع: فلسفه اسلامی: ۴۶ (فلسفه و عرفان: ۹۱)

■ گروه مخاطب: - تخصصی (طلاب و دانشجویان و پژوهشگران و اساتید حوزه و دانشگاه)

شماره انتشار کتاب (چاپ اول): ۹۵۱

مسلسل انتشار (چاپ اول و بازچاپ): ۷۱۷۸

# شرح فارسی الاسفار الاربعه

صدر المتألهين شیرازی

جلد اول

آية الله حسن حسن زاده آملی

بیتنا  
۱۳۹۸

# بوستان کتاب

## شرح فارسی الاسفار الاربعه صدرالمتألهين شيرازی ج ۱

ترجمه و تدوین: آیدالله حسن حسن‌زاده‌آملی • به کوشش: محمدحسین نانیجی  
ناشر: مؤسسه بوستان کتاب  
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپخانه مؤسسه بوستان کتاب  
نوبت چاپ: پنجم ۱۳۹۸ • شمارگان: ۵۰۰ • بها: ۹۹۰۰۰ تومان

تمامی حقوق نشر مکتوب و الکترونیک این اثر متعلق به مؤسسه بوستان کتاب است

printed in the Islamic Republic of Iran

♦ دفتر مرکزی: قم، خ شهدا (صفابیه)، ص پ ۹۱۷ / ۳۷۱۸۵، تلفن: ۰۷-۳۷۷۲۱۱۵۵، فکس: ۳۷۷۲۲۱۵۴، تلفن پخش: ۳۷۷۴۴۴۲۶

♦ فروشگاه مرکزی: قم، چهارراه شهدا (عرضه ۱۰۰۰ عنوان کتاب با همکاری ۱۷۰ ناشر)

♦ فروشگاه شماره ۲: تهران، خیابان انقلاب، بین وصال و فلسطین، تلفن: ۶۶۹۶۹۸۷۸

♦ فروشگاه شماره ۳: مشهد، چهارراه خسروی، مجتمع یاس، جنب دفتر تبلیغات اسلامی شعبه ۱، سان رضی، تلفن: ۳۲۲۳۳۶۷۲

♦ فروشگاه شماره ۴: اصفهان، چهارراه کرمانی، جنب دفتر تبلیغات اسلامی شعبه ۱، تلفن: ۳۲۲۲۰۳۷۰

♦ فروشگاه شماره ۵ (رنگین کمان، فروشگاه کودک و نوجوان): قم، چهارراه شهدا، نبش خیابان، رم، تلفن: ۳۷۷۲۳۱۰

اطلاع از تازه های نشر از طریق پیام کوتاه (SMS)، یا ارسال شماره همراه خود به ۰۲۱۵۵ و یا ارسال درخواست به:

پست الکترونیک مؤسسه: E-mail: info@bustaneketab.com

جدیدترین آثار مؤسسه و آشنایی بیشتر با آن در وب سایت: www.bustaneketab.com

با قدردانی از همکاری که در تولید این اثر نقش داشته‌اند:

- اعضای شورای بررسی آثار • دبیر شورای کتاب و سرویراستار: ابوالفضل طریقه‌دار • ویراستار: بوذر دیلمی‌معزی
- چکیده عربی: سهدله خانقی • چکیده انگلیسی: مریم خانقی • فیبا: مصطفی محفوظی • حروف‌نگار: مریم ونکی • اصلاحات حروف‌نگاری: احمد مؤتمنی
- صفحه‌آرا: حسین محمدی • کنترل نمونه خوانی: محمدجواد مصطفوی • نمونه خوانی: ابوالحسن مسیب نژاد، محمدحسین مظفری، سیدمحسن طاهری، شکرالله آقازاد، سیدحسین حسینی، علی میری، سیدرضا هدایتی، سیدکاظم رضوی، غلامرضا شهبازی، محمد ایتاری و محمدعلی حسینی • کنترل فنی صفحه‌آرایی: سیدرضا موسوی‌منش
- مدیر گروه هنری: مسعود نجابتی • طراح جلد: امیرعباس رجیبی
- اداره آماده‌سازی: حمیدرضا تیموری • اداره چاپخانه: مجید مهدوی و سایر همکاران لیتوگرافی، چاپ و صحافی • مدیر تولید: عبدالهادی اشرفی

رئیس مؤسسه  
محمدباقر انصاری

## فهرست

۱۵	مقدمه مقرر
۳۱	مقدمه مؤلف
۳۱	شرح خطبه مؤلف
۳۲	سعادت انسانی به چیست؟
۳۵	نیت، روح اعمال انسانی
۳۶	اسفار ام الكتاب مرحوم آخوند
۳۸	غایت کمال انسانی به چیست؟
۴۱	علم الهی، علم خودسازی
۴۲	قوه عملی و قوه نظری
۴۷	کوشش فراوان برای تحصیل دانش
۵۱	ریشه موفقیت مرحوم آخوند
۵۵	در شکایت از اهل زمان
۶۰	اقتدا به حضرت وصی <small>علیه السلام</small>
۷۰	محال بودن قسر دایم
۷۱	معارف عرشی مرحوم آخوند لطف حق برای قرون جدید

- ۷۴ ..... حکمت بحثی و حقایق کشفی و اسرار قرآنی در اسفار
- ۷۸ ..... استفاده از اسفار تنها برای اشخاص کُتل پیموده در علم و عمل
- ۸۱ ..... حکمت را به هر کس نیاموزید
- ۸۲ ..... روش مرحوم آخوند در اسفار
- ۸۵ ..... مشکلات عالم اسلام بر اثر دوری از ولایت
- ۸۶ ..... راه رسیدن به حقایق مجادله نیست
- ۸۷ ..... تزکیه راه رسیدن به حقایق این کتاب
- ۹۲ ..... بسم الله مخرجها و مرسیها
- ۹۴ ..... نام این کتاب چیست؟
- ۹۴ ..... حکمت متعالیه با اسفار فرق ندارد
- ۹۶ ..... متن واقع موضوع علم فلسفه
- ۹۹ ..... اطلاق صمد بر حق سبحان
- ۱۰۱ ..... تنظیم کتاب بر اساس سفرهای سالکان
- ۱۰۶ ..... جزء اول از امور عامه یا علم الهی به معنای اعم
- ۱۰۷ ..... یکی بودن ساختار این شرح با اسفار چهارگانه

### سفر اول: از خلق به حق

- ۱۱۱ ..... مسلک اول: معارف پایه
- ۱۱۸ ..... تعریف فلسفه و حکمت
- ۱۲۰ ..... تقسیم فلسفه به عملی و نظری
- ۱۲۳ ..... تعریف فلسفه
- ۱۲۵ ..... امام مبین حقیقت اسما
- ۱۲۸ ..... خاک و روح خدا حقیقت است

۱۲۹ ..... خبر به معنای علم و آگاهی و دانایی است

۱۳۷ ..... غایت فلسفه چیست؟  
**مرحله اول: وجود و اقسام اولیة آن**

### منهج اول: احوال نفس

۱۵۱ ..... **فصل اول: موضوعیت وجود برای علم الهی و اولیت ارتسام آن در نفس**

۱۶۰ ..... مسائل فلسفه

۱۶۸ ..... عدم امکان تعریف وجود عام به حد و رسم

۱۷۲ ..... مبادی تصدیقی فلسفه

۱۷۷ ..... قضایای کاذبه نفس ندادن

۱۷۸ ..... مبادی تصویری فلسفه

۱۸۱ ..... ممکن نبودن اثبات وجود مطلق به برهان، به جهت بداهت آن

۱۸۳ ..... رد کسانیه که بر وجود ممکن اطلاق می‌کردند

۱۸۴ ..... غیر متناهی بودن حق سبحانه

۱۸۶ ..... ایجاب و جودات امکانی و واجبی به برهان و حسن

۱۸۷ ..... موضوعات علوم دیگر تخصص دارند

۱۸۸ ..... تفسیر امور عامه

۱۹۰ ..... غشاوة و همیه و إزاحة عقلیه

۱۹۰ ..... اشکال

۲۰۱ ..... اعتراض محقق دوانی بر تفسیر امور عامه

۲۰۲ ..... تفسیر امور عامه به مشتقات و امثال آن

۲۰۶ ..... تقابل در تفسیر امور عامه اعم است

۲۱۱ ..... کلیات غذای انسان هستند

۲۱۴ ..... تفسیر عوارض ذاتیه

۲۱۷ ..... قوم در تحلیل موضوعات علوم در مانندند

۲۱۸ ..... تفسیر عرض ذاتی به خارج محمول

۲۲۳ ..... اسناد مسامحه به قدما و تفسیر محمول در کلام ایشان به معنای اعم

۲۲۸ ..... لحوق فصول باعث تخصص موضوع نیست

۲۳۵ ..... تجدید نظر در معنای گذشته

فصل دوم: في أن مفهوم الوجود مشترك محمول على ما تحته حمل التشكيك لاجل

التواطؤ ..... ۲۴۲

۲۴۶ ..... اشتراك معنوی و حمل تشکیکی وجود

۲۴۹ ..... نقل کلام فانیین به اشتراک لفظی

۲۵۱ ..... رد اشتراک لفظی و جری

۲۵۲ ..... اشکال و پاسخ

۲۵۶ ..... رابطه بین قضایا دلیلی دیگر بر اشتراک معنوی وجود

۲۵۶ ..... ایطاء شاهد بر اشتراک معنوی وجود

۲۵۸ ..... معنای تشکیک و اینکه تقدم و تاخر عین مقدم و مؤخر است

۲۶۵ ..... موارد تشکیک خاصی

۲۷۴ ..... سه گونه تشکیک

فصل سوم: في أن الوجود العام البدیهی اعتبار عقلي غير مقوم لافراد ..... ۲۷۶

فصل چهارم: في أن للوجودات حقيقة عينية ..... ۲۸۴

۲۸۵ ..... عینی بودن وجود

۲۹۱ ..... بحث و مخلص

۲۹۵ ..... دفع شبهه شیخ اشراق در اعتباری بودن وجود

۲۹۸ ..... اشکال: همه موجودات واجب می شوند

۳۰۰ ..... بحث از حقایق، والاتر از بحث از لغت است

- ۳۰۶ ..... نقل کلام میر سید شریف در عدم اعتبار ذات در مشتق
- ۳۱۰ ..... نقل کلام محقق دوانی در بساطت مشتقات
- ۳۱۰ ..... نقل کلام شیخ اشراق در بساطت مشتقات
- ۳۱۲ ..... وجودات دارای حقیقت عینیه هستند و معنای حصه
- ۳۱۳ ..... اثبات اسنالت و جود با عدم تشکیک در ماهیت
- ۳۱۶ ..... قاعده فرعیت دلیل اعتباری بودن و جود
- ۳۱۹ ..... نقل سخن میر صدر دشتکی در اعتباریت و جود
- ۳۲۱ ..... جواب از قاعده فرعیت به اینکه، اشکال مشترک الورد است.
- ۳۲۲ ..... تحقیق در جواب
- ۳۲۳ ..... تخصص و جود، چیست؟
- ۳۲۵ ..... تنزل و جود باعث پیدایش حدود است
- ۳۳۰ ..... **فصل پنجم: فی آن تخصص الوجود بماله؟**
- ۳۳۲ ..... دو جنبه موجودات
- ۳۳۳ ..... فصل منطقی و فصل حقیقی
- ۳۳۶ ..... کلام شیخ الرئیس در تعلیقات مطابق با حکمت مشالیه
- ۳۳۷ ..... کثرت در وحدت، وحدت در کثرت
- ۳۳۸ ..... پرورش و ربوبیت حق تعالی عالم را
- ۳۴۱ ..... کثرات امور و شؤون واقعی هستند و نه اعتباری
- ۳۴۳ ..... باید دانایی را به دارایی بدل کرد
- ۳۴۴ ..... معنای خیالی چیست؟
- ۳۵۰ ..... ماده باعث تخصص و جود است
- ۳۵۸ ..... عده‌ای به غلط شیخ را قائل به اعتباریت و جود می‌دانند
- ۳۶۱ ..... توجیه کلام الشیخ الی غیر ما هو المشهور لدى الجمهور



فصل ششم: في أن الوجودات هويات بسيطة و أن حقيقة الوجود ليست معنى جنسياً ولا

نووعياً ولا كلياً مطلقاً ..... ۳۷۱

وجود دارای جنس و فصل نیست ..... ۳۷۶

اتحاد مفهومی اجزای قوامی در صورت جنس و فصل داشتن وجود ..... ۳۷۷

وجود جنس نیست ..... ۳۷۸

خلاصه مفاد رساله فصل اسکندر ..... ۳۸۱

فصل هفتم: في أن حقيقة الوجود لا سبب لها بوجه من الوجوه

انسام سبب در وجود راه ندارد ..... ۳۹۲

فصل ..... ۳۹۵

عدم تصور علت در غیر متاهی ..... ۴۰۰

تفسیر اصول ازیلیه در کلام حضرت وصی علیه السلام ..... ۴۰۱

بسیط فاسد شدنی نیست ..... ۴۰۳

فاعل بالقصد نبودن حق سبحان ..... ۴۰۴

حق سبحان صورة الصور همه ..... ۴۰۶

خیر محض بودن آنچه وجود است ..... ۴۰۶

اشکالاتی چند با پاسخ های آن ..... ۴۰۷

اشکال صاحب تلویحات ..... ۴۰۸

جواب: از شقوق سه گانه معیت را برمی گزینیم ..... ۴۱۰

جواب حلّی ..... ۴۱۱

آیا اتصاف و جود به ماهیت آنها در عقل است؟ ..... ۴۱۳

پاسخ به شیخ اشراق ..... ۴۲۴

عدم اخذ وجود در حد ذات و مرتبه ماهیت ..... ۴۲۵

نیامدن قاعده فرعیت در باب وجود خارجی و ماهیت ..... ۴۳۱

- ۴۳۲ ..... تحقق وجود و ماهیت همانند بسایط به یک جعل
- ۴۳۵ ..... جواب سید سند به شیخ اشراق
- ۴۳۸ ..... [دفع دخل مقدر]
- ۴۴۱ ..... وجه اشتراک و افتراق کلام سید سند با مرحوم آخوند
- ۴۴۲ ..... شبهه دیگر از شیخ اشراق در اعتباری بودن وجود
- ۴۴۲ ..... خارج وجود جز به معرفت شهودی قابل ادراک نیست
- ۴۴۴ ..... کارآیی شبهه شیخ اشراق در ردّ مشاء
- ۴۴۵ ..... انهدام ساس اشراق و مشاء با اشکال ما
- ۴۴۷ ..... شبهه دیگر از شیخ اشراق
- ۴۴۸ ..... شبهه‌ای دیگر از شیخ سهروردی
- ۴۴۸ ..... چون شیخ اشراق وجود اجزاء مقوله دانست دچار اشکال شد
- ۴۵۰ ..... اشکالات دیگر شیخ اشراق بر مشاء
- ۴۵۱ ..... پاسخ مشاء به شبهه شیخ اشراق
- ۴۵۳ ..... وجود، جزئی و کلی نمی‌باشد
- ۴۵۶ ..... توضیح و تنبیه
- ۴۵۹ ..... دفع دخل مقدر
- ۴۶۱ ..... ضعف وجود بر اثر پوشش ملابیس امکانی
- ۴۶۲ ..... تعقل با تعلق نمی‌سازد
- ۴۶۴ ..... تفاوت دهشت از مقام جلال با وحشت
- ۴۷۰ ..... انتزاع مفهوم وجود حکایت از واقعیت خارج می‌کند
- ۴۷۱ ..... جعل روی چه چیز رفته است؟
- ۴۷۶ ..... جعل بسیط و جعل مرکب
- ۴۸۱ ..... پاسخ به سید سند در حکم به عدم تقدم وجود بر ماهیت

۴۸۴ ..... مراد از بسیط الحقیقه چیست؟

۴۸۵ ..... ترکیب همه ما سوی الله از ماهیت و وجود

۴۸۹ ..... وجود، جهت اتحاد کثیرین

۴۹۱ ..... تأصل دو حقیقت در خارج ممکن نیست

۴۹۴ ..... تأصل وجود و حصص وجودی

۴۹۶ ..... توجیه اینکه چرا آخوند به خاصه خارجی و ذهنی اطلاق مفهوم کرده است؟

۴۹۷ ..... تنها کلی سعی در وجود خارجی می آید

۴۹۹ ..... سیه رویی و فقر ذاتی ممکنات

۵۰۱ ..... مراد از ظهور و حودات تجافی نیست

۵۰۹ ..... عجز قوی ضعیف انسان از دریافت نور وی

۵۱۳ ..... هر مرتبه از وجود حکمی دارد

۵۲۱ ..... رد اصالة الماهوی

۵۲۴ ..... رد وحدت شخصی وجود

۵۳۲ ..... **فصل هشتم: در مساوقت وجود با ماسیت**

۵۳۹ ..... در رد واسطه بین معدوم و موجود و حال

۵۴۵ ..... اشکالی مهم بر متکلمان

۵۴۶ ..... اشکال دیگر که متکلمان را رسوا می کند

۵۴۹ ..... لغت و ادب نباید معیار شناخت حقایق قرار گیرد

۵۵۳ ..... باید در دریافت حقایق آنجا را اصل قرار داد

۵۵۵ ..... در سلوب و اعتبارات می توان همین الفاظ را در حق تعالی اطلاق کرد

۵۵۶ ..... لزوم تعطیل به معانی گوناگون از مبانی متکلمان

۵۶۳ ..... نقل کلام سهروردی در رد شیئیت معدوم

۵۶۴ ..... شیء و وجود مساوقند

۵۷۱	فصل نهم: في الوجود الرباطی
۵۷۳	چگونگی وجود عرض و جوهر
۵۷۵	فصل ۹: في الوجود الرباطی
۵۸۰	دو بحث: اول، موجود رباط و رباطی دو نوع از وجودند
۵۸۱	جواب سوال مقدر
۵۸۵	موجودات عین رباط به حق سبحانه هستند
۵۸۷	خلاصه سخنان قوم در وجود رباط و رباطی
۵۹۴	معنای دوم وجود رباطی
۵۹۸	جعل ابدایی
۵۹۹	جواهر ناعتی
۶۰۵	تقسیمات وجود رباط و رباطی در باره عدم نیز می آید

### منهج دوم: در اصول کیفیات و عناصر عقود و خواص هر یک از آنها

۶۱۳	اصول کیفیات چیستند؟
۶۱۳	مقدمه: بحث وجود رباط مقدمه‌ای برای بحث کیفیات
۶۱۴	فصل اول: في تعريف الوجود والإمكان والامتناع والحق والباطل
۶۱۷	روش آموزش قوم
۶۳۱	مماشات و همراهی با قوم در روش تعلیم
۶۳۳	دو مسلک رباط و رباطی در چگونگی تعلق موجودات به حق سبحانه
۶۳۸	ارتباط موجودات مستقل با حق سبحانه یا توحید اهل ظاهر
۶۴۲	امکان به معنایی تازه
۶۴۵	رسیدن ابوبصیر در خدمت امام صادق به توحید صمدی
۶۵۶	ماهیت من حیث هی محکوم به حکمی نیست

۶۶۰ ..... فهم وجود فوق طور عقل است

۶۶۵ ..... مشارکت حد و برهان تأییدی بر بساطت وجود

۶۶۷ ..... اطلاعات بسیط

۶۷۲ ..... همه اقسام اولویت باطل است

۶۸۱ ..... تعریف حق

۶۸۸ ..... رد اقوال سوفسطاییان

۶۹۱ ..... آیا گفتار و آرای سوفسطاییان به درستی نقل شده است

۶۹۴ ..... زیربنای معارف و فضایا چیست؟

۶۹۶ ..... راز شناسایی کردن اعم و کلی برای انسان

۶۹۸ ..... دمای درد مسقطه

۷۰۱ ..... فرق لوازم ماهیت با لوازم وجود ذهنی و خارجی

۷۰۲ ..... اقسام و احکام معیت در کلام خواجه

۷۰۲ ..... آیا معنای مواد ثلاث در منطق و فاضله تفاوت دارند؟

۷۰۴ ..... قسمت مفهوم به مواد ثلاث، تقسیمی حقیقی است

۷۰۶ ..... مقدمه‌ای در رد قاضی عضد ایجی

۷۰۸ ..... رد قاضی عضد ایجی

۷۱۰ ..... تفاوت اصحاب حرف و بحث با اصحاب عمل و تقوادر بافتن حقایق

۷۱۲ ..... تفاوت قضایای حینیه و مخلوطه با ضرورت ذاتی و ازلی

فصل دوم: في أن الواجب الوجود لا يكون بالذات وبالغير جميعاً؛ وفي عدم الخلافة الزومية

۷۱۲ ..... بین واجبین لو فرضاً

۷۱۴ ..... بیان اقسام حیثیت‌ها

۷۳۰ ..... عدم سازش و جوب ذاتی با غیری

## مقدمه مقدر

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

حکمت به معنای واقعی آن با پیدایش انسان پدید آمد و به همراه او تربیت و رشد و تعالی یافت، و هم چنان با زندگی او در آمیخته و هرگز از او دست برنخواهد داشت، زیرا کلمه‌هایی مانند چرا، به چه علت، برای چه، از چه، و این چیست و...، هیچ‌گاه از انسان دست بر نمی‌دارد. پس اگر حکمت را کنار بگذاریم دیگر انسان نخواهیم بود؛ همان‌گونه که دریافت‌های قلبی و الهامات و حدسیات و فرضیات نیز همیشه با انسان زندگی کرده است.

قرآن کریم، حضرت آدم و پدر همه را عالم به اسماء الهی یعنی همان اسماء اشیاء و حقیقت آنها معرفی کرد، کسی که رمز و راز طبیعت را از راه قلب دریافت کرده و حقیقت را می‌داند و اولین متعلم از مدرسه «علمك مالم تعلم» است. ادیان الهی بر این اتفاق دارند. تاریخ ملت‌های کهن از یونان و ایران نیز نشان می‌دهد که اولین حکما انبیاء علیهم‌السلام بوده‌اند، معلم بشر و کسی که علوم مختلف را تعلیم داده «هرمس» به زبان یونانیان و «ادریس» به زبان ادیان است. ایرانیان نیز که تمدن هزاران ساله دارند معلمین نخستین بشر را انبیاء علیهم‌السلام می‌دانند و حکمایی را معرفی کنند که از راه ریاضت و

روش قلبی و ارادت اشراقی به حقایق دست یافته‌اند.

معنای این سخن انکار دریافت بشر از راه عقل نیست، چه این که اندیشه و فکر به مثابه راهی برای فهم حقایق در اختیار همگان بوده و همه می‌توانسته‌اند از آن برای فهمیدن حقایق کمک بگیرند، بلکه مراد این است که همیشه ارادت اشراقی و رسیدن به حقایق از راه دل، اقدم از راه عقل بوده است طبیعی است که بزرگان و حتی انبیاء علیهم‌السلام برای بیان دریافت‌های خود باید آن را در کسوت قیاس‌های عقلی می‌ریخته‌اند تا دیگران به دریافت آن نایل شوند. چگونه متعلمی که می‌خواهد قدم در راه ریاضت بگذارد و به حقایق از راه اشراق دست‌رسی پیدا کند قانع می‌شود که مرارت و سختی‌های راه را تحمل کند؟ حسن ظن به استاد در کنار منطقی قوی و خردی نیرومند او را وادار می‌سازد که مسیر ناهموار را طی کند این چنین حکمت اشراقی با فکر و اندیشه با هم آمیخته‌اند.

علوم تجربی نیز به روشی همانند روش مزبور به شکوفایی و توسعه رسید. علمای رشته‌های مختلف بر اثر برخورد با موارد گوناگون از راه حواس و تکرار آنها و آزمایش و گرفتن نتایج مشابه، به مطالب و کلیات عقلی رسیده‌اند، این کلیات همان قضایای عقلیه هستند که در علوم به عنوان «مبادی قیاس» به کار گرفته می‌شوند.

در حکمت نیز نظیر چنین روشی به کار گرفته شده است، حکما و انبیای الهی حقایق را از راه مکاشفات و دریافت‌های باطنی دریافتند و در آنچه دیدند شکی نداشتند همیشه دریافت‌هایی که از راه مشاهده خواه با حواس ظاهری و خواه با حواس باطنی می‌شود یقین‌آور است؛ یعنی انسان هیچ شکی ندارد که آنچه دیده همان است که دیده و یا آنچه بوییده و لمس کرده همان است که احساس کرده است.

تنها تفاوت بین این دو روش در متعلق این ادراکات است: در دریافت حسی یک مورد جزئی به تماشا در می‌آید، سپس در اثر تکرار آن به قیاس خفی و قاعده کلی می‌رسد، لیکن دریافت‌های دل همیشه وسیع و فراگیر و به حقایق گسترده تعلق

می‌گیرد، لذا علاوه بر دریافت صوری و مثالی آن حقایق کلیه و گسترده، حقایقی به دست می‌آید، که اگر به زبان عقل درآید قواعدی کلی است. گر چه تفاوت‌هایی در این قواعد وجود دارد. لذا آن تعدادی که قابل ترجمه به عقل بود و می‌توانست به زبان عقل درآید قواعدی کلی است. چنان‌که از افلاطون نقل شده که هزاران مسئله داریم که بر آن برهانی عقلی ندارم.

مقدمه فوق را برای این چیدم که بگویم: از گذشته‌های دور تا زمان افلاطون همیشه حکمت این چنین دریافت می‌شد و به کمک عقل بیان می‌گردید، لیکن از زمان ارسطو روش‌های حکمی تغییر پیدا کرد. ارسطو، که خود شاگرد افلاطون است و حقایق مزبور را از اساتید اشراقی خود دریافت کرد دور نیست که خود وی نیز حقایق حکمی را این چنین دریافت کرده باشد و یقین او یک یقین مشاهده‌ای باشد، چنین دیده که حکمت باید عمومیت یابد و همه از آن بهره‌مند شوند و عقول مردم از آن سیراب شود و از طرفی همه می‌توانند به مشاهدات حقایق برسند، زیرا ریاضت و تهذیب نفس و رسیدن به خود حقایق، فراغت بال و هم واحد و عزلت و دوری از جنجال دنیوی و شاید تلاش معاش دارد، و همگان را مجال به چنین روشی نیست، و نیز «المیسور لایسقط بالمعسور» او را وادار کرده که روشی دیگر بیندیشد و راه را برای همه هموار نماید، گر چه معنای روشن‌فکری ارسطو که به روش «مشاء» لقب یافته این نیست که همگان می‌توانند وادی‌های سهمناک و عقیده‌های دهشت‌آور حقایق آن سویی را پیموده و آن حقایق را ادراک کنند، چنان‌که خود ارسطو بدان تصریح نموده است:<sup>۱</sup>

«از استاد ارسطو - افلاطون - نقل شده که ارسطو را بر اظهار حکمت و نالیب کتاب‌های حکمی سرزنش نموده است، ارسطو در عذرخواهی چنین پاسخ داد: اما در اختیار گذاشتن حکمت به اهل حکمت و ورثه آنها سزاوار و شایسته است،

۱. اشکوری، محبوب القلوب، ج ۱، ص ۲۹۱ (چاپ میراث مکتوب).



ولی دشمنان حکمت و ناهلان که راغب در آن نیستند نمی‌توانند به حکمت برسند، چرا که راه آن را نمی‌دانند، و از آن‌گریزانند و فداکاری لازم را برای دریافت آن ندارند، چرا که بر آنها دشوار است، لذا من با این که حکمت را به اهل حکمت اعطا کرده‌ام، لیکن برگرد آن قلعه‌ای محکم بنا کرده‌ام که سفها نتوانند در آن رخنه کنند و نادانان قدرت رسیدن به آن را نداشته باشند و اشقیای از آن دور بمانند و در نظم آن نتوانند وارد گردند، تنها تک مردانی از حکما به آن می‌رسند و منکران دروغگو و نافرمان از آن سودی نمی‌برند.»<sup>۱</sup>

مرحوم اشکوری سپس از فاضل شهرزوری در تاریخش نقل می‌کند که: «در سیئات النبوک که این بطریق برای مأمون ترجمه کرده آمده است: ارسطوی فاضل، بسیاری از علمای یونان را در عداد انبیاء آورده است.»

آن‌گاه چنین فرمود: «مزید این نقل گفتار ما در این مقدمه کتاب محبوب القلوب به نقل از سیدطاهر رضی‌الدین علی‌بن طاووس در کتاب فرج المهموم فی معرفة الحلال و الحرام من علم النجوم است.»

در مقدمه (ص ۱۱۷) چنین نقل فرموده است: «ابرخس و بطلیموس از انبیا بوده، و اکثر حکما چنین هستند و اشتباه مردم از آن‌جانشی شده که نام‌های آنها یونانی است؛ یعنی چون نام‌های آنها موافق با برخی از حکمای یونان است که به آنها اعتقادات فاسد را نسبت می‌دهند، حال آنها بر مردم مشتبه شده و گمان برده‌اند که صاحبان این نام‌ها همه یک مذهب دارند.»

و نیز در همان‌جا نقل کرده که: «إن عمرو بن العاص قدم من الاسكندرية علی سیدنا

۱. و نیز در ص ۱۲۴ عبارت دیگری از همین واقعه نقل می‌کند: «ولهذا لما عدل افلاطون ارسطاطالیس علی اظهاره للفلسفة، أجاب بآني وإن كنت أظهرتها وكشفتها لكن أودعت فيها مهاوی وأموراً غوامض لا یطلع علیها إلا الفرید من الحكماء؛ یعنی به خاطر سرزنش افلاطون در این که ارسطو حکمت را اظهار کرده ارسطو جواب داده که، اگر چه حکمت را اظهار نمودم ولیکن در آن پرتگاه‌ها و مشکلاتی قرار داده‌ام که تنها تک مردانی از حکما می‌توانند بر آن آگاه شوند.»

رسول الله ﷺ فسأله عما رأى، فقال: رأيت قوماً يتطلسيون و يجتمعون حلقاً و يذكرون رجلاً يقال له أرسطوطاليس، لعنه الله، فقال صلوات الله و تسليماته عليه و آله: مه يا عمرو! إن أرسطوطاليس كان نبياً بحله قومه. قال الفاضل الشهرزورى في تاريخ الحكماء هكذا أسمعناه».

اشكورى رحمه الله در همان كتاب (ص ۲۹۲) مى فرمايد: در بسيارى از تواريخ يونان آمده كه خداى سبحانه و تعالى به ارسطو وحى کرده كه من تو را فرشته بنامم بهتر از اين است كه انسان بنامم. ارسطو حكايتهائى شگفتى دارد كه نقل آن به طول مى انجامد؛ به طورى كه گفته اند: وى به آسمان رفته. خداوند به احوال عباد و حقايق آشنا و داناتر است.» آرى بايد حنين گشت:

چراغ مدرسه و شمع خانقاه يکى است

اگر چه ديده در آمد ولى نگاه يکى است  
متأخرين مشاء در دريافت و جستجو از حقايق عالم به روش ارسطو تن دادند و ندانستند كه خود ارسطو حقايق را از راه ملازمت بيست و چند ساله با افلاطون به چنگ آورده است. وقتى علوم يونان به مسلمانان رسيد، متكلمين از آن استقبال کرده و در مقاصد كلامى به كار گرفتند و در الفاظ و مفاهيم عرفيه و اضافه كردن قيد و يا كم كردن صفت ماندند و گمان كردند كه به مقاصد حكماي حقيقي دست يافته اند. فرقه هاى مختلف براى مقاصد و مذاهب خويش از آن بهره گرفته و اصول حكمت كه دست يابى به حقايق عالم بود از دست رفت.

طبقه ديگرى كه از حكمت مشايي يونان استقبال کرده اند حكماي اسلامى بوده اند: فارابى با اين كه حكيمى مشايي است تفاوت ارسطو و افلاطون را در مطالب اصيل نمى پذيرد و جمع بين رأين مى نويسد و خود كتاب هاى نظير فصوص الحكم و غيره دارد كه نشان مى دهد به مقاصد حكماي راستين و اندیشه هاى اوليا دست يافته است. چنان كه شيخ به همين نتيجه رسيده است، و در اشارات و نمط هاى او اخير آن، كه

از قضا در اواخر عمر شیخ نوشته شده، چنین گرایشی مشهود است، بلکه رویه دست یابی به حقایق از راه دل و تصفیه نفس مبرهن شده است و بالاتر از آن، شیخ جمله‌ای را در سه نمط آخر اشارات آورده که همانند احادیث شریفه مقام بسیار والایی در بیان حالات و مقامات اهل عرفان دارد.

اما شیخ کتاب‌هایی همانند شفاء و نجات نیز دارد که بر طریق مشاء متأخر نوشته و از حدود افکار آنها عبور نکرده، گرچه در الهیات شفاء مطالبی وجود دارد که دقیقاً مقاصد اهل عرفان را مبرهن می‌سازد و زبان فهمی آگاه می‌طلبد که شفاء را به درستی بفهمد و آنچه را ارسطو خواسته پنهان کند، و به عنوان گنجی در کتاب‌های شیخ در لابلای عبارات موجود است استخراج نماید، لیکن کسانی که بعد از شیخ آمدند گرفتار الفاظ و مفاهیم و عبارات شفاء شدند و در حاشیه گفتار آن جناب به دام مباحث مفهومی افتادند و سرانجام نتوانستند از آن رهایی یابند.

مرحوم ملاصدرا، که خود سالیانی با شفاء محشور بوده و بر آن حواشی گرانمایی دارد که نشان از تبخّر و توغّل در آن دارد، گنج‌هایی را که شیخ در شفاء پنهان کرده، دریافته و به مقاصد اهل حکمت که میراث حکمای اوایل است، دست پیدا نموده است و از بین خاکستر علوم بحثی و تاریکی‌های مفاهیم درهم ریخته کلامی عبور کرده و به علوم اوایل رنگ و جلایی تازه داده است. خود آن جناب می‌فرماید:

«در گذشته به بحث و تکرار آن اشتغال داشتم و بسیار به کتاب‌های حکما و اهل نظر مراجعه کرده و سخت مطالعه کرده‌ام به طوری که گمان بردم که به درجه‌ای عالی رسیده‌ام، هنگامی که چشم دلم باز شد و به حال خویش نگریستم گرچه از صفات و احوال مبدأ اطلاع یافته و یاد گرفتم او را از صفات امکانی و حوادث مره کم و نیز احکام معاد نفوس انسانی را آموختم، ولی دیدم که از علوم حقیقی و حقایق عینی خالی‌ام، اینها اموری‌اند که تنها به فروق و وجدان فهمیده می‌شود.»

چنان که در مقدمه عرشیه به دست آورده‌های خود و متأخرین مشاء اشاره می‌کند و

می فرماید: «این رساله‌ای است که برخی از مسائل ربوبی و معالم قدسی را که خدای تعالی دلم را به آن منور کرده از عالم رحمت و نور افاضه نموده و دست افکار جمهور به آن نرسیده و هیچ یک از این گوهرهای درخشان در خزانه احدی از فلاسفه مشهور و حکمای متأخر معروف وجود ندارد، چرا که این حکمت به آنها داده نشده بلکه سایه و دامنه‌ای را فهمیده‌اند چرا که از راه آن وارد نشده و لذا از شراب معرفت محروم شده و به سراب آن رسیده‌اند، بلکه این مسائل قبس‌هایی است که از مشکات نبوت و ولایت اقتباس شده و از سرچشمه‌های کتاب و سنت استخراج گردیده بدون این که دست باحثان به آن رسیده و یا در حریم گفت‌وگوی معلم‌ان واقع شوند.

«این مطالب را یاد کرده‌ام تا تبصره سالکان اهل فکر و یادآور برادران مؤمن شود اگر چه بر نادان‌ها و اصحاب جدل دسوار و باعث خشم دشمنان نور حکمت و یقین و اولیای ظلمات شیاطین مطرود می‌شود، ولیکن من به وجه خدای قدیم و اولیای حق از شر دشمنی معاندان پناه بردم و در محدوده ملکوت عظیم و انوار حق از تاریکی‌های او هام اهل تعطیل متحجب شدم.»

چنان که در مقدمه همین کتاب اسفار از گذشته خویش که در جست‌وجوی حکمت در کتاب‌های متفلسفه و متکلمین گذشته اظهار ناسف می‌کند و می‌فرماید:

«من از این که مدتی از عمر خویش را در تتبع آرای متفلسفه و متکلمین مجادل و تدقیقات آنها و آموختن گفتارهایی که از روی جربزه (و بحث‌های بی‌حاصل) فراهم آمده و اندیشه‌هایی که متفنن و گوناگون بوده استغفار می‌کنم تا این که در نهایت به نور ایمان و تأیید خدای منان معلوم شده که قیاس آنها عقیم و صراط ایشان غیر مستقیم است لذا افسار امر خویش را به خدا و رسول نذیر مندر سپردم، بنابراین به هر چه که از آن جناب رسیده ایمان آورده و تصدیق کرده‌ام و و احتیال نکرده‌ام تا برای آن وجهی عقلی و مسلک بحثی بجویم، بلکه به هدایت او اقتدا کرده نهی او را پیروی نمودم، تا قول حق تعالی را امثال کرده باشم که فرمود: ﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا

نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» تا این که خدای تعالی بر دل ما فتوحات را جاری کرد و از برکت متابعت او به فلاح و نجات رسیدم.<sup>۱</sup>

و نیز کسانی را که در مقاصد حکمت فقط راه بحث را دنبال کرده اند مذمت می کند و می فرماید: «بلکه بسیاری از کسانی که همه عمر خود را شبانه روز در بحث و تکرار گذرانیده می بینی که راه به جایی نبرده و رسوا گردیده اند، خدای تعالی از این عده خبر داده که فرمود:

﴿قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا﴾ الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا﴾.

و نیز در همان مقدمه می فرماید: «روش مزبور در شناخت خدای تعالی و علم معاد و علم طریق آخرت استقامت تقلیدی عوام و یا فقها، که از راه ارث و یا ظواهر به آن می رسند، نیست، زیرا کسانی که رضایت به تقلید داده و بر صورت جمود نموده راه حقایق را نیافته اند، آن طور که مردم الهی بدان رسیده اند، و به حقایق کشفی عارفان، که عالم صورت و لذات محسوسه را کوچک می شمارند، نمی رسند؛ یعنی نمی توانند به معرفت آفریدگار مردم و حقیقه الحقائق برسند، چنان که روش مزبور راه پالایش سخن و مجادله در خوب نشان دادن مقصود نیست چنان که عادت متکلمان می باشد، و نیز راه مزبور بحث صرف نمی باشد، چنان که در باب اهل نظر و غایت اصحاب مباحثه و فکر می باشد، چرا که همه مصداق این آیه شریفه اند که، ﴿ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكْذِبْهَا وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ﴾ بلکه این روش، نوعی یقین است که میوه نوری است که در دل مؤمن قذف می شود، که این دل از راه اتصال به عالم قدس و طهارت که به واسطه مجاهده از جهل و اخلاق ضمیمه و حب ریاست و إخلاد الی الارض و رکون به زخارف اجساد پاکیزه و مطهر شده است.»

۱. الاسفار الاربعه، تصحیح و تعلیق آیه الله حسن زاده، ج ۱، ص ۱۸، مقدمه.

بنابراین از راه تصفیه و تزکیه و معرفت نفس می‌توان به درجه حکمای حقیقی رسید.

در مقدمه مبدأ و معاد، (ص ۱۰۱) چاپ دفتر تبلیغات اسلامی) می‌فرماید: «بهترین علوم طبیعی معرفت نفس انسانی و اثبات کلمه نوری بودن نفس و این که دارای ذات روحانی و شعله ملکوتی است و این که با موت بدن نمی‌میرد و چگونگی استکمال آن و مشابه جوهر ملائکه شدن است... چرا که معرفت نفس و احوال آن مادر حکمت و اصل سعادت است.

«وکسی که تجرد و بقای یقینی نفس را نفهمد نمی‌تواند به درجه حکیمی از حکما برسد، همانند پیروان خالینوس، گر چه گمان شده که ایشان حکیمند. چگونه می‌توان به کسی در معرفت امری از امور اعتماد کرد، در حالی که به معرفت نفس خویش نرسیده چنان که ارسطو فرموده است: «هر کس از معرفت خویش ناتوان باشد، پس به معرفت خالقش ناتوان‌تر است زیرا معرفت ذات و صفات و افعال نفس نردبان معرفت ذات و صفات و افعال آفریننده آن است، زیرا نفس بر وزان و مثال خالقش آفریده شده لذا هر کس به معرفت نفس نرسیده به معرفت پروردگارش نرسیده است، چنان که گفتند:

ای شده در نهان خود عاجز      کی شناسی خدای را هرگز  
تو که در علم خود زبون باشی      عارف کردگار چون باشی...

گفته‌اند که: بر یکی از عبادتکده‌ها از دیرباز چنین نوشته بود:  
هیچ کتاب آسمانی نازل نشده مگر این که در آن این جمله بوده که: «ای انسان خویش را بشناس تا پروردگارت را بشناسی.»

نزدیک به همین عبارت از شیخ‌الرئیس در یکی از رساله‌هایش نقل شده که حکمای اوایل مکلف بوده‌اند که در معرفت نفس خوض کنند، چرا که وحی نازل شده در برخی از هیاکل.